

(پدر هتل داران جهان)

«Kirk kerkorian» که امروزه او را به عنوان پدر هتل دارای جهان در لاس‌وگاس و سراسر ایالات متحده می‌شناسند، نمونه کامل پیشرفت و ترقی از یک خانواده کاملاً ساده و معمولی است. او که در حال حاضر با ثروتی معادل ۸/۹ میلیارد دلار در ردیف میلیاردرهای بزرگ دنیا جای گرفته است سختی و مشقت های بسیاری را در زندگی به جان خریده تا به وضعیت فعلی خود دست یابد. مردی با ظاهری کاملاً ساده اما رفتاری به مانند یک نجیب زاده، کم حرف و گوشه گیر اما در معاملات بسیار مصمم و استوار، گریزان از هیاهوی خبرنگاران اما سازنده بزرگترین هتل های دنیا در گذشته که جنجال خبری بسیاری را در پی داشته است. یک کارگر، بوکسور و خلبان پیشین و یک میلیاردر فعلی... «Kirk kerkorian» او که فرزند چهارم خانواده بود علیرغم تولد در ایالات متحده تا زمانی که سن و سالی پیدا نکرده بود و وارد اجتماع نشده بود، نمی‌توانست زبان انگلیسی را به خوبی صحبت کند چرا که زبان خانوادگی آنها «ارمنی» بود و تمامی اعضای خانواده و خویشاوندان در محیط های خانگی به این زبان صحبت می‌کردند. برادر بزرگش که در رشته ورزشی بوکس مهارت هایی داشت او را ترغیب کرد که وارد این رشته شود. به محض ورود به این رشته چنان علاقه ای به آن پیدا کرد که درس و مدرسه را رها نمود و تمام وقت خود را به این ورزش اختصاص داد. اندکی بعد در اثر نیروی بدنی فوق العاده و پشتکاری که داشت و همچنین به سبب راهنمایی های بی دریغ برادر به مقام های خوبی دست یافت و توانست در همان سن نوجوانی مدال های بسیاری به دست آورد. چند سالی گذشت. حال او یک جوان خوش قد و قامت شده بود. اما مهارت او در یک رشته ورزشی نمی‌توانست نیازهای مالی او را بر آورده سازد. خانواده هم که اوضاع مالی مناسبی نداشت و نمی‌توانست برای همیشه مایحتاج فرزندان را تامین نماید. از همین رو او که از کودکی با کار کردن در مشاغل مختلف آشنایی داشت، دوباره تصمیم گرفت که وارد عرصه کار و فعالیت شود تا بتواند زندگی خود را اداره نماید. به همین جهت در پاییز سال ۱۹۳۹ به سراغ یکی از دوستان قدیمی خانوادگی شان رفت تا نزد او به کار مشغول شود. حرفه جدیدی که او واردش شده نصب بخاری های دیواری در اماکن عمومی بود. قرار بر این شد تا «kirk» در ازای دریافت ۴۵ سنت در هر ساعت به این کار بپردازد. یک روز که «kirk» به همراه کارفرمایش برای انجام یک سفارش سوار بر هواپیما شدند تا به شهر دیگری بروند، فکر دیگری ذهن او را به خود مشغول ساخت. هنگامی که هواپیما از جایش برخاست و تمامی مناظر پایین در یک نگاه قابل رویت شدند هیجان سراسر وجود او را در بر گرفت به محض فرود هواپیما «kirk» تصمیم خودش را گرفت: حال او می‌خواست یک خلبان شود! پس از پرس و جوی فراوان دریافت که یکی از اولین زنان خلبان در یک زمین بسیار بزرگ که بخشی از آن به امور کشاورزی و دامی اختصاص داده شده، مشغول آموزش خلبانی است. به سرعت هر چه تمام تر خود را به آنجا رساند و به نزد «Florence pancho Barnes» رفت و گفت که او هیچ سواد و مدرک تحصیلی خاصی ندارد، از سویی هم پولی ندارد تا بتواند شهریه کلاس های آموزشی را بپردازد اما علاقه بسیار به پرواز دارد و از او طلب کمک کرد «Barnes» هم که ذوق و شوق فراوان او را دیده بود به او گفت که برای این کار مهمترین وسیله، علاقه و شجاعت است که او دارد و همین امر برای تبدیل شدن به یک خلبان ماهر کفایت می‌کند. تنها شش ماه از این تاریخ گذشت «kirk» توانست مدرک خلبانی تجاری خود را دریافت نماید و در همان مکان به عنوان یک شغل به آموزش این فن بپردازد. اما نکته اینجا بود «kirk»: پرواز را دوست داشت نه مربیگری را! و این به معنای آغاز حرفه ای جدید بود. چندی پیش شنیده بود که خطوط هوایی «Royal» در ازای هر پرواز از کانادا به

اسکاتلند، به هر خلبان ۱۰۰۰ دلار دستمزد می دهد. این مطلب اصلاً باور کردنی نبود. مگر چه مشکلی بر سر راه بود که چنین هزینه ای را می پرداختند؟ هنگامی که برای تحقیق در مورد این قضیه وارد شهر مونترال کانادا شد دریافت که انجام این ماموریت چنان دشوار است که کارشناسان پرواز احتمال موفقیت را بیش از ۱/۴ درصد نمی دانند!!

قضیه از این قرار بود که خلبانی می بایست هواپیمای بمب انداز «Mosquito» را به همراه تانکرهای سوختشان از مسیری مناسب به اسکاتلند می رسانند که برای این منظور دو راه بیشتر وجود نداشت. مسیر اول هواپیما را با طوفان های یخی روبه رو می ساخت و بال هایش را دچار آسیب می نمود و مسیر دوم نیاز به سرعتی یکسان در کل راه داشت که اگر اندکی تغییر می کرد، مجدداً هواپیما با سانحه روبه رو می شد. علیرغم تمامی این مشکلات، «kerkorian» که علاقه بسیاری به انجام پروازهای هیجانی داشت، شرایط را پذیرفت و در کمال ناباوری همگان هواپیما را به مقصد رساند. از آن پس به مدت چندین سال او وظیفه انتقال این هواپیما ها را به اسکاتلند داشت و در همه مراحل موفقیت را از آن خود نمود و توانست ثروت نسبتاً خوبی نیز بدست آورد. چندی بعد زمانی که نام او در لیست خلبانان ماهر و با تجربه جای گرفته بود، یکی از تجار لوس آنجلس او را به عنوان خلبان اختصاصی خود برای و یا سه سفر در هفته استخدام کرد «kerkorian» .

که پیش از این توانسته بود یک هواپیمای کوچک برای خود خریداری نماید، به این کار مشغول شد و در هفته چند بار به لاس و گاس سفر می کرد. جالب است که بدانید او علیرغم استعداد و پشتکار فراوان، از شانس بالایی نیز برخوردار بود به طوری که در مدت اقامتش در لاس و گاس در تمامی شرط بندی های بزرگ این شهر شرکت کرد و در تمامی آنها مبالغ هنگفتی به چنگ آورد. او که حال ثروت قابل ملاحظه ای به دست آورده بود تصمیم گرفت که شرط بندی را کنار گذاشته و زندگی شرافتمندانه ای آغاز نماید. از این رو ازدواج کرد و اندکی بعد صاحب دو فرزند به نام های «linda» و «Tracy» شد و به وسیله ثروتی که به دست آورده بود یک کمپانی هوایی کوچک با نام - «Tracinda» برگرفته از نام فرزندانش - بنا کرد. این شرکت هوایی او که تحت نظر خطوط هوایی «los Angeles Air service» فعالیت می کرد، در سال ۱۹۶۵ وارد بورس شد و سهام آن به عموم فروخته شد. در سراسر ایالت متحده اغلب ارمنی های مقیم آمریکا سهام کمپانی او را خریداری کردند و در عوض مدت کوتاهی ارزش سهام آن از 75/9 دلار به ۳۲ دلار در هر سهم افزایش پیدا کرد.

در سال ۱۹۶۲ در یک اقدام جسورانه «kerkorian» زمینی به مساحت ۳۲۰ هزار متر مربع به قیمت ۹۶۰ هزار دلار در حوالی «Flamingo» خریداری کرد و آن را به یک کمپانی بزرگ اجاره داد و بعد هم به همان کمپانی در ازای مبلغ ۵ میلیون دلار فروخت. در اوایل سال ۱۹۶۷، «kerkorian» زمین مشابهی در «paradise Road» به مبلغ ۵ میلیون دلار خریداری کرد و تصمیم گرفت خودش آن را بکار گیرد. به کمک سهام کمپانی اش در بورس و نیز مبالغی که اخیراً به دست آورده بود اقدام به ساخت بزرگترین هتل آن زمان در دنیا در شهر لاس و گاس نمود. هتلی 30 طبقه با ۱۵۱۲ اتاق که تنها در سال اول آغاز به کارش بیش از ۳ میلیون دلار عایدی داشت «kerkorian» می گوید: در آن زمان کمتر کسی تصور می کرد که پرداختن به امور زندگی خانواده ها و فراهم آوردن آرامششان به خصوصی در هنگام سفر بتواند سود بسیار خوبی داشته باشد. از این رو اغلب از این سرمایه گذاری گریزان بودند. اما من ثابت کردم که اینگونه نیست!!

روز به روز شهرت «MGM Grand» افزوده می شد و در پی آن به ثروت «kerkorian» می افزود تا اینکه ناگهان مشکلی بزرگ پدید آمد. وام های کلانی که او از بانک های اروپا گرفته بود با سود هنگفتی می بایست باز پرداخت می شد که این موضوع به نوبه خود نگران کننده نبود اما زمانی که ارزش سهام کاهش یافت این بانک ها به سرعت به او برای بازپرداخت مالی شان فشار آوردند، در این بین او مجبور شد نیمی از سهامش را که بیش از ۱۸۰ میلیون تاشش ماه پیش ارزش داشت،

به مبلغ تنها ۱۶/۵ میلیون دلار به هتل بین المللی هیلتون بفروشد. او همچنین خانه‌اش در لاس و گاس، هواپیمای شخصی وقایع تفریحی اش را فروخت تا بتواند بدهی هایش را بپردازد. آنچه که همه دوستان و نزدیکان او را به حیرت واداشته بود خونسردی بیش از حد او در این گیرودار بود. در حالیکه استرس و نگرانی سراسر وجود اطرافیان را فرا گرفته بود، «kirk» با آسودگی خیال به حل مشکل فکر می کرد و تا بر طرف کردن کامل آن هرگز احساساتی بر خورد نکرد. پس از اتمام این قضایا او به سراغ هالیوود رفت و برای سرمایه گذاری در آن به تحقیق و مطالعه پرداخت. در سال ۱۹۷۲ با درایت کامل هتل دیگری با ارزش ۱۰۷ میلیون دلار که دارای ۲۶ طبقه، ۲۰۸۴ اتاق، سالن نمایشی با گنجایش ۱۲۰۰ نفر و یک فروشگاه بزرگ بود ساخت. از آنجا که علاقه فراوانی به سمینارها پیدا کرده بود با الهام از فیلم Grand Hotel ساخته سال ۱۹۳۲ نام آن را Grand Hotel نهاد.

هنگامی که در ۵ جولای ۱۹۷۳، «Grand Hotel» باز گشایی شد، نام آن به عنوان بزرگترین هتل جهان به ثبت رسید. چند سال بعد در سال ۱۹۸۰ زمانی که «kerkorian» برای یک سفر کاری در نیویورک به سر می برد «Grand Hotel» بر اثر یک نقص فنی الکتریکی دچار سانحه آتش سوزی شد و فاجعه‌ای پدید آورد. در این سانحه وحشتناک ۸۵ نفر جان باختند. با شنیدن این خبر «kerkorian» فوراً به لاس و گاس برگشت و از نزدیک به پیگیری علل حادثه مشغول گردید. هشت ماه پس از این ماجرا، مجدداً هتل بازسازی شده شروع به کار کرد و به استقبال از میهمانان پرداخت. و آخرین و یا سومین هتل بزرگ او «MGM Grand» که در حال حاضر نیز مشغول به کار است در سال ۱۹۹۳ با ظرفیت ۵۰۰۰ اتاق، هشت رستوران، باشگاه ورزشی، پارک تفریحی و سالن نمایشی ۱۵۰۰ نفره افتتاح شد. گفته می شود که پارک تفریحی این هتل دست کمی از پارک «Disneyland» ندارد و تمامی امکانات آن دو مشابه است. نکته جالب اینجاست که این هتل نیز در زمان خود بزرگترین هتل زمانه بوده است و با این اقدام نام «kerkorian» به عنوان پدر هتل داران جهان به ثبت رسیده است.